



**کشف بیش از ۱۶۰گوشی سرقتی**

رئیس پلیس آگاهی پایتخت از انهدام اعضای باند ۶نفره سارقان تلفن همراه و دستگیری مالخران حرفه‌ای خبر داد و گفت: در این عملیات پلیسی، بیش از ۱۶۰ دستگاه گوشی مسروقه کشف شد. به گفته سردار علی ولی‌پور گودرزی، ۹۳ دستگاه از این گوشی‌ها کاملا سالم و ۷۰ دستگاه از گوشی‌ها توسط مالخران اوراق شده بود.

#### خارجی

زن جوان برای انتقام از خانواده همسرش دست به جانیی هولناک زد

### شام آخر



زن ۴۸ساله که خانواده همسرش را عامل جدایی‌شان می‌دید به بهانه آشتی با همسر سابقش، خانواده او را به شام دعوت کرد تا نقشه شومی را که در سر داشت عملی کند. نقشه‌ای که با مرگ ۳نفر از اعضای خانواده همسر او پایان یافت.

به گزارش همشهری به نقل از میرزا، این پرتوسن استرالیایی که با نقشه قبلی خانواده همسرش به نام سایمون را با قارچ مسموم به قتل رسانده بود، به اتهام ۳قتل عمدی دستگیر شد. در شب حادثه، ارین، والدین همسر سابقش گیل و دان پترسون را به همراه خاله و شوهر خاله همسرش، هدر و ایان ویلکینسون برای صرف شام به خانه‌اش دعوت کرد. در واقع این مهمانی، یک مهمانی آشتی‌کنان و از قبل برنامه‌ریزی شده برای آشتی ارین با سایمون، همسر سابقش بود. اما چند روز بعد از این مهمانی، ۳نفر از اعضای خانواده سایمون به نام‌های گیل دان و هدر جان باختند. وقتی معلوم شد که قربانیان بر اثر مسمومیت جان‌باخته‌اند، سایمون از همسرش به اتهام قتل شکایت کرد و مدعی شد که او عمدا با مسموم کردن شام جان اعضای خانواده وی را گرفته است. با این شکایت تحقیقات از سروی پلیس آغاز و ارین به عنوان مظنون دستگیر شد. در بررسی‌ها مشخص شد که این زن یک دستگاه غذاساز در خانه داشته که پس از مهمانی آشتی‌کنان آن را دور انداخته است. پلیس که احتمال می‌داد متهم برای ارتکاب جنایت از دستگاب غذاساز استفاده کرده باشد، به تحقیق از وی پرداخت اما ارین مدعی شد که دستگاه را مدت‌ها قبل تر دور انداخته بود. به این ترتیب، از آنجا که هیچ مدرکی علیه وی نبود، آزاد شد.

#### عذاب وجدان

زن جانیکار اما بعد از مدتی نتوانست با این ماجرا کنار بیاید و با مراجعه به پلیس از راز این جنایت پرده برداشت. او به پلیس گفت: آن شب حادثه بر نامه‌ای چشم دارم فرزندانه به سینما بروند و همسرم، مادر، پدر و خاله و شوهر خاله او را برای شام دعوت کردم. از قبل قارچ و گوشت تهیه کرده بودم و تصمیم گرفتم مادر، پدر و خاله همسرم را به قتل برسانم، چرا که فکر می‌کرد آنها در جدایی من و همسرم سایمون نقش داشتند. بنابراین غذای این ۳نفر را مسموم کردم.

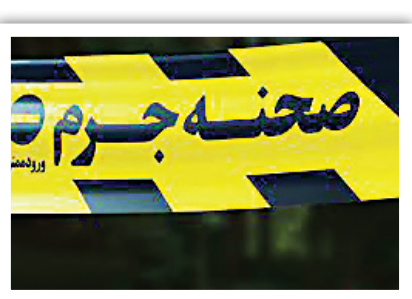
ارین گفت: قبیل از اینکه به مهمانان اجازه دهم بشقاب‌هایشان را انتخاب کنند، غذا را آماده کردم و خودم برایشان کشیدم. حتی بعد از خوردن غذا وقتی مادر همسرم دچار معده درد و اسهال شد به او دارو دادم.

ارین ادامه داد: من مدت طولانی با والدین سایمون صمیمی بودم تا اینکه از پسرشان جدا شدم. رفته رفته رابطه من و والدین شوهر سابقم تحت تأثیر جدایی من از سایمون قرار گرفت و من کمتر آنها را می‌دیدم. تا اینکه افکار منفی هر روز به سراغم می آمد که آنها عامل اصلی جدایی من و شوهرم بوده‌اند و در نهایت من را وادار به انجام این کار کرد. حالا هم از قتل آنها پشیمانم. با اعتراف زن جوان، پرده از راز مرگ اسرار آمیز قربانیان کنار رفت و او حالا باید به اتهام قتل عمد ۳نفر در دادگاه محاکمه شود.

#### کوهانه‌تر از گزارش

### مرگ اسرار آمیز زنی در اتاقک اجاره‌ای

برای رازگشایی از معمای مرگ زنی جوان که پیکری جانش در اتاقک اجاره‌ای پیدا شد، تیم جنایی پایتخت تحقیقات خود را آغاز کرده است. به گزارش همشهری، ساعت ۷صبح دیروز گزارش مرگ مشکوک زنی جوان به قاضی وحیدناصری بازپرس جنایی تهران مخایره شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که زن جوان یک شب قبل یعنی یکشنبه شب اتاقکی در جنوب تهران به‌مدت یک شب اجاره کرده بود. صبح روز دوشنبه یکی از همسایه‌ها که اتاقک مجاور را اجاره کرده بود، چشمش به جسد زن جوان افتاد و فوراً صاحبخانه را خبر کرد. او هم موضوع را به پلیس اطلاع داد. جسد زن جوان در اتاقک افتاده بود و علت مرگ او مشخص نبود. به دستور بازپرس جنایی جسد زن جان‌باخته به پزشکی قانونی منتقل شد تا معمای مرگ وی توسط کارآگاهان جنایی رازگشایی شود.



**پایان شرارت در سرآسیاب**

رئیس مرکز عملیات اطلاعات پلیس تهران از دستگیری یکی از ارادال و اوپاش معروف منطقه سرآسیاب تهران خبر داد. این فرد با تهدیدتوسط سلاح سرد اقدام به قدرت‌نمایی بین شهروندان کرده بود که دستگیری او باعث رضایت و خوشحالی اهالی منطقه شد. از مخفیگاه متهم ۳ قبضه شمشیر، ۵ عدد قمه و ۴ عدد نیمچه کشف شد.

**آمار شهدای حرم شاهچراغ به دو نفر افزایش یافت**

# انهدام خانه امن تروریست‌ها



به سوی خدام و زائران در صحن دستگیر شد، اما دو نفر از خاضمان به شهادت رسیدند و ۷نفر دیگر مجروح شدند.

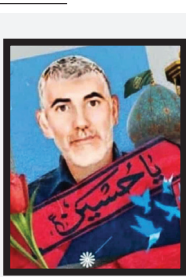
**گزارش**  
روزنامه‌نگار

**محمد جعفری**

**دستگیری ۱۰مظنون**

از همان لحظات اولیه بعد از وقوع این جنایت باحضور مأموران امنیتی تحقیقات در این باره آغاز شد و تا عصر روز گذشته (دوشنبه) ۱۰ مظنون دستگیر شدند. حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی، رئیس کل دادگستری استان فارس در این باره گفت: در پی تلاش‌های سرپازان گمنام امام‌زمان (عج) تاکنون ۱۰نفر از عناصر مظنون به ارتباط با حادثه تروریستی، شب گذشته حرم شاهچراغ(ع) دستگیر شده‌اند که همه افراد یازدانشتی از اتباع خارجی هستند. علاوه بر این خانه امن تروریست‌ها نیز کشف شده است.

رئیس کل دادگستری استان فارس با اشاره به شهادت یکی از مجروحان دربار هویت تروریست اصلی که یکشنبه شب در صحن حرم دستگیر شده بود، گفت: این فرد که تبعه تاجیکستان است در تحقیقات اولیه خود را رحمت‌الله نوروزف معرفی کرده است.



### پدرم به آرزویش رسید

**مکت**

در خانه شهید غلامرضا عباسی بعد از حمله تروریستی به حرم شاهچراغ حال و هوای عجیبی حکمفرماست. نزدیکشان می‌دانستند که او عاشق شهادت است و حالا به آرزوی دیرینه‌اش رسیده است و همین مسئله حال و هوای خانه آنها را دگرگون کرده است. مهدی عباسی، فرزند شهید در این باره به همشهری می‌گوید: «پدرم ۶۹ساله و پاسدار بازنشسته بود. به تازگی و از حدود ۳ماه قبل خادم افتخاری شاهچراغ شده بود. هفته‌ای یک روز به حرم می‌رفت. از بعدازظهر تا آخر شب در حرم بود و علاقه زیادی به این کار داشت.» او در باره شب حادثه می‌گوید: «وقتی خبر را شنیدم با پدرم تماس گرفتم اما جواب نداد. با عجله رفتم حرم. پرس و جو کردم که گفتند مجروح شده و او را به بیمارستان مسلمی منتقل کرده‌اند. با عجله به آنجا رفتم. اما گفتند به پزشکی قانونی منتقل شده که متوجه شدم پدرم به شهادت رسیده است. من هنوز هیچ قبلی از حادثه ندیده‌ام. اما اتصور که متوجه شدم ۴تیر به سینه و پهلویش اصابت کرده است. پدرم خاده بود، اما آن شب زودتر در حالی که هنوز پستش شروع نشده بود به حرم فرستاد. پدرم در ورودی حرم مشغول صحبت با دوستان و بقیه خدامان بود که حمله تروریستی اتفاق افتاد.»

وقتی حرف آخرین دیدار با پدر می‌شود، پسر این شهید با صدایی گرفته می‌گوید: «من آخرین مرتبه به جمع پدرم را دیدم. ما ۸خواهر و برادر هستیم و من دومین پسر خانواده‌ام معمولاً در تعطیلات دور هم جمع می‌شدیم و بعد از آخرین دیدارمان که روز جمعه بود، دیگر پدرم را ندیدم. او به حرم شاهچراغ ارات ویژه‌ای داشت و مدام برای زیارت به آنجا می‌رفت. این علاقه از سال‌ها قبل و پیش از خادم شدن در میجازات کنند.»

### شهدی که شفاعت شهید دیگری را کرد

**درنگ**

از ساعتی بعد از حمله ترور یستی به حرم شاهچراغ، خبر شهادت شهید عباسی در همه‌جا پیچید. دوستان، آشنایان و فامیل از همان ساعت برای عرض تسلیت راهی خانه شهید شدند. عبدالر سول عباسی، برادرزاده شهید دربار این حادثه به همشهری می‌گوید: «ما اصالتاً اهل یکی از روستاهای شهرستان خرامه در حوالی شیراز هستیم. عموم نزدیک ۲سال سابقه جبهه داشت. بعد از بازننشگی هم خادم حرم شد. هم عموم و هم یکی از دخترانش خادم حرم بودند. من آخرین مرتبه عصر روز شنبه به خانه‌شان رفتم و ایشان را دیدم. حالش خوب بود و خیلی هم با یکدیگر صحبت کردیم. من اگر از عموم تعریف کنم شاید درست نباشد؛ اگر از مردم درباره ایشان بپرسید، بهتر است. او فردی مردمدار بود و همیشه در کارهای خیر مشارکت می‌کرد.» او در باره شب حادثه می‌گوید: «من خانه بودم و فرزندانم از طریق رسانه باخبر شدند و به من گفتند. آن شب همسر هم رفته بود شاهچراغ. در راه بود که این حادثه اتفاق افتاد. همسرم گفت تیراندازی شده و عمویت تیر خورده است.» رفتم بیمارستان مسلمی که گفتند عموم به شهادت رسیده است.»

حالا اما خانه شهید حال و هوای خاصی دارد و همه برای عرض تسلیت به آنجا می‌روند. برادرزاده شهید عباسی می‌گوید: «همه فامیل در خانه‌شان جمع شده‌اند برای تسلیت و تسلی. عموم آرزویش شهادت باور. نام جنگ من هم با او در جبهه بودم. همیشه به دالر حمله و گلزار شهدا می‌رفت. ایستوی که هم‌هسرش می‌گفت همیشه سر مزار یکی از شهدای می‌رفت و آرزوی می‌کرد و می‌گفت: کاش من هم شهید شوم. معتقد بود این شهید شفاعت می‌کند و به او متوسل می‌شد که شهید شود و عقابت به آرزویش رسید. برادرش هم حدود ۱۰سال در اسارت بود. پدرش هم همیشه در عشق امام حسین(ع) زندگی می‌کرد و هم قاری قرآن بود و هم به بقیه آموزش می‌داد.»

شمشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۲ – شماره ۸۸۵۶



کوهانه از حادثه

### دستگیری سارق اموال زنان مسن

زورگیری که طعمه‌هایش را از بین زنان مسن انتخاب و با تهدید چاقو از آنها زورگیری می‌کرد، دستگیر شد. به گزارش همشهری، ۲۲مردادماه مأموران کلانتری ۱۲۱تهران در حال گشتزنی در محدوده بلوار نبرد بودند که یک مرد جوان مشکوک شدند. این مرد در حوالی پارک سهنبد ایستاده بود و افرادی را که به داخل پارک رفت‌وآمد داشتند، زیرنظر گرفته بود. مأموران وی را به‌صورت نامحسوس زیرنظر گرفتند. لحظاتی بعد زن میانسالی از مقابل مرد مشکوک رد شد و وی به‌دنبال او راه افتاد و در محلی خلوت به سمت زن میانسال حمله کرد و با تهدید چاقو، گوشی تلفن همراه او را زورگیری کرده و پا به فرار گذاشت اما تنها دقایقی بعد از سوی مأموران دستگیر شد. در بازرسی بدنی وی یک قبضه سلاح سرد و ۶ دستگاه تلفن همراه کشف شد که همگی سرقتی بودند و او آنها را با همین شرگرد زورگیری کرده بود. رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با بیان این خبر گفت: متهم ۲۴ساله در تحقیقات اولیه به جرم خود و ۳۰نفره سرقت مشابه اعتراف کرد و مدعی شد که پس از سرقت و زورگیری تلفن همراه، اموال مسروقه را به یک مالخر می‌فروخته است. سردار محمد گودرزی با اشاره به اینکه بررسی‌هایشان می‌دهد که این مرد مجرمی سابقه‌دار است و بیش از این نیز به جرم سرقت دستگیر و زندانی شده، ادامه داد: با اعترافات او ۱۵شکاهی که همگی آنها خانم‌های مسن بودند شناسایی شدند و دستگیری مالخر اموال مسروقه در دستور کار پلیس قرار دارد.



#### دادرس

### قتل همسر با شلیک گلوله

اختلاف زوج جوان پایان درناکی داشت و به جنایت مسلحانه منجر شد. به گزارش همشهری، ظهر یکشنبه به‌وحیدناصری، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که زنی جوان در یکی از بیمارستان‌های تهران جان‌باخته است. به دستور بازپرس جنایی تهران تحقیقات در این باره شروع شد. زن جوان با اصابت ۲گلوله جانش را از دست داده بود. وی اهل حاشیه تهران بود و صبح یکشنبه در خانه خود هدف شلیک گلوله قرار گرفته بود. خانواده‌اش وی را به بیمارستان نزدیک خانه‌اش انتقال داده بودند، اما وخامت حال این زن موجب شد تا وی فوراً برای ادامه درمان به بیمارستانی در پایتخت منتقل شود. اگرچه پزشکان تمام تلاش خود را برای نجات زن مجروح کردند اما کوشش‌های بی‌فایده بود و او جان باخت. در ادامه تحقیقات مشخص شد که عامل شلیک‌های مرگبار کسی جز همسر وی نیست. اختلافات این زوج از مدتی قبل شروع شده بود که پایان درناکی در پی داشت. به گفته همسایه‌ها، زوج جوان مدام با یکدیگر بحث و درگیری داشتند و آنها‌ها صدام درگیری‌هایشان را شنیده بودند که روز حادثه پس از آنکه زن و شوهر طبق معمول روزهای قبل کارشان به درگیری کشیده شده بود، تاگهان صدای شلیک گلوله شنیدند. مرد جوان هراسان از خانه خارج شد و همسایه‌ها با خانواده‌زن و اورژانس تماس گرفتند. به دستور بازپرس جنایی جسد مقتول به پزشکی قانونی منتقل شد و چون قتل در تهران رخ نداده بود، پرونده به دادسرای شهرستان مربوطه ارسال شد.

#### جنایی

### قتل ۴عضو یک خانواده در روستا

پلیس در تعقیب فرد یا افراد ناشناسی است که در جریان جنایتی هولناک ۴عضو یک خانواده را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌اند. به گزارش همشهری، این جنایت در یکی از روستاهای منطقه تیاب واقع در شهرستان مونجان در استان کرمان اتفاق افتاد. مصیب آسیابانی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مونجان با اعلام جزئیات قتل ۴نفر گفت: رده‌ای اختلافات شخصی در این پرونده وجود دارد و اعلام نتیجه قطعی منوط به دستگیری عاملان این جنایت است. او درباره آنچه اتفاق افتاده، افزود: مقتولان همگی مرد و اهل و ساکنان یکی از شهرستان‌های مجاور مونجان هستند که آنفر از آنها پدر و فرزند و ۴نفر دیگر نیز خواهرزاده‌های یکی از مقتولان هستند. وی ضمن اشاره به اینکه این افراد روز یکشنبه با استفاده از سلاح جنگی به قتل رسیده‌اند، گفت: این جنایت در یک منطقه کوهستانی و صعب‌العبور و به‌دور از منازل مسکونی روستا رخ داده و عامل یا عاملان قتل نیز متواری شده‌اند.

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مونجان ادامه داد: پرونده مربوطه در شعبه بازپرسی در حال رسیدگی است و تلاش جهت شناسایی و دستگیری متهم با مته‌مان این پرونده ادامه دارد.

چند مورد سرقت با این شگرد انجام داده‌اند؟

پیش از ۲۰۰سرقت، هر چند خیلی حرفه‌ای عمل می‌کردیم اما در نهایت گیر افتادیم.

#### سرقت در ۳تانیه

گفت و گو

گیتی سنی زاده ندارد اما بیشتر موهای سفید شده است. می‌گوید اعتیاد به مواد مخدر و زندگی در زندان او را پیر کرده است. همدستانان او را پیشکشوت می‌دانند چون در کارنامه‌اش حسن‌های طولانی مدت ثبت شده‌است. او پس از آنکه آزاد شد با استخدام ۳زن و ۲مرد باند سرقت راه‌انداخت.

**آخرین بار کی از زندان آزاد شدی؟**

وقتی سرقت‌های جدید را شروع کردیم؛ یعنی از ۵ماه پارسل. هنوز مهر آزادی‌ام خشک نشده بود که کارمان را شروع کردیم.

**تا قبل از آن چند سال زندان بودی؟**

آخرین بار ۱۰سال زندان بودم. قصات دادگاه دیگر مرا می‌شناسند و به‌خاطر سابقه‌ها بودم برای خودم پیشکشوتی شده‌ام!

**سرقت را از کی شروع کردی؟**

تهنگاری از تبه خانواده‌گی ماست. من در یک خانواده مجرم متولد شدم و از وقتی یادم است، پدر و مادرم سرقت می‌کردند. سرقت را از آنها به‌ارت برده‌ام اما یاور کنید خودم قدم نمی‌خواست سارق شوم.

**چرا سعی می‌کردی زندگی سالمی داشته باشی؟**

چطور می‌توانستم زندگی سالمی داشته باشم؟ پدر و مادرم که همیشه در زندان بودند و تا چشم باز کردم جز بدبختی چیز دیگری ندیدم. دوست داشتم درس بخوانم اما خانواده‌ام اجازه ندادند. بازور و اجبار پدرم با‌مردی ازدواج کردم که ۱۵سال از من بزرگ‌تر بود. او یک خلافکار حرفه‌ای بود و همه کارانجام می‌داد؛ سرقت گرفته تا قاچاق. آخرین بار که دستگیر شد ۲۰سال حبس برایش بریدند. من هم طلاق غیابی گرفتم. هنوز ۱۸سالام شده بود و آن روزها به برادرم پناه بردم اما او هم دست کمی از شوهرم نداشت؛ او هم یک خلافکار حرفه‌ای و سردرسته یک باند جیبی‌ری بود.انگار هر چه می‌خواستیم از خلاف کردن فرار کنیم نمی‌شد و من ناچار شدم که پا در دنیای مجرم‌ان بگذارم.

**برویم سراغ پرونده تازه‌ات، چطور با همدستانات آشنا شدی؟**

من با یکی از دوستانم با ما همکاری داشتند و نقششان فروش اموال از زندان با هم آشنا شدیم و فرار شد پس از آزادی سرقت‌ها را شروع کنیم. شگرد سرقت‌هایمان به چه صورت بود؟

من با ۳نفر از همدستانم سوار متریو یا اتوبوس می‌شدیم و پس از شناسایی طعمه به سرافشان می‌رفتم. بعد شروع می‌کردیم با طرف صحبت کردن تا حواسش برت شود. معمولاً سرقت‌ها را من انجام می‌دادم چون استعداد خاصی در جیب‌بری داشتم که فکر می‌کردم آن استعداد را هم از خانواده‌ام به‌ارت بردم به‌طوری که در عرض ۳تانیه می‌توانم کیف مردم را خالی کنم! با اموال سرقتی چه می‌کردی؟

در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی با همدستگی ۳زن و ۲مرد جوان اعتراف کرد که همدستانان وی نیز یکی پس از دیگری دستگیر شدند و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.